

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال دهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۸

شهر آشوب ملاطغرای مشهدی؛ اثری نوآورانه

(ص ۸۱-۶۵)

زهرا مرتضوی بیستگانی (نویسنده مسئول)^۱، دکتر سید مهدی نوریان^۲

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵
تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

طغرای مشهدی از شاعران و نویسندگان سده یازدهم هجری است که به هند مهاجرت کرده و حیات ادبی وی در آن دیار بوده است. در ضمن آثار طغرا ساقینامه‌ای وجود دارد. این ساقینامه از جهات بسیاری قابل تحقیق است. از جمله شهرآشوبی که در ضمن آن آمده است. موضوع این نوشتار، معرفی و تحلیل ویژگیهای شهرآشوب طغرا است. شهرآشوب مذکور که تا به حال گمنام باقی مانده، دارای خصوصیتی است که آن را در میان دیگر شهرآشوبها برجسته میسازد. این ویژگیها عبارتند از: تلاقی دو سنت ساقینامه‌سرایی و شهرآشوب‌سرایی، آمیختگی مدح و ذم و همچنین، وجود همزمان دو نوع شهرآشوب صنفی و هجوی. نویسندگان مقاله با استناد به ساقی‌نامه و بعضاً اشعار دیگر طغرا و نیز با در نظر گرفتن تاریخ تطور شهرآشوب‌سرایی به تبیین و تدوین مطالب میپردازند.

کلمات کلیدی: طغرای مشهدی، شهرآشوب، ساقینامه، انواع شهرآشوب.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
zahra.mortazavi55@yahoo.com

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
m.nourian@ltr.ui.ac.ir

۱. مقدمه

در این مقاله به معرفی یکی از مهمترین ساقینامه‌های ادب فارسی و بویژه شهرآشوبی که در آن وجود دارد، پرداخته میشود. این شهرآشوب صاحب خصوصیات مهمی است که بعضاً در تاریخ شهرآشوب‌سرایی کم‌نظیر و بعضاً بینظیر است اما با این حال در پرده گمنامی مانده است. مؤلفین مقاله با معرفی این نسخه و تبیین ویژگیهای آن قصد احیای این شهرآشوب را دارند بدین امید که در تحقیقات آتی در این موضوع، کمکی به محققین نماید.

۱.۱ روش پژوهش

تحقیق حاضر به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. ابتدا معرفی مختصری درباره تعریف طغرا، زندگی و آثار او، معرفی نسخه وی می‌آید و در ادامه، درباره شهرآشوب و پیشینه آن در ادب فارسی مطالبی نقل میشود و سپس، در بخش اصلی مقاله، به معرفی شهرآشوب موجود در ساقینامه ملاطغرا پرداخته میشود. این شهرآشوب نسبت به آثار مشابه، از ویژگیهای خاصی برخوردار است که در متن مقاله مفصلاً درباره آن سخن میرود. در این مقاله تمامی رجاعات به نسخه ایندیا آفیس انگلستان با نام اختصاری «کلیات» صورت میگیرد.

۱.۲ ضرورت پژوهش

دو سنت ادبی ساقینامه سرایی و شهرآشوب سرایی از حوزه‌های مهم تاریخ شعر و ادب فارسی به حساب می‌آیند. این دو سنت در سبک هندی رونقی تمام میگیرند و بسیاری از شعرای زمان (چه در ایران و چه در هند) به سرودن چنین اشعاری مبادرت مینمایند. افزون بر کمبود مطالعات و تحقیقات درباره شهرآشوب و ساقینامه‌های ادب فارسی، در موضوع خاص این پژوهش یعنی طغرا و ساقینامه همراه با شهرآشوب او جای خالی یک پژوهش احساس میشود. زیرا این ساقینامه به دلیل ویژگیهای منحصر به فردی که دارد (و در ادامه بدانها پرداخته خواهد شد)، جایگاه مهمی در هر دو حوزه ساقینامه سرایی و شهرآشوب سرایی دارد و مهمتر از همه اینکه تنها اثر شناخته شده فارسی است که در آن، این دو سنت مهم شاعری به نقطه تلاقی رسیده‌اند.

۱.۳ پیشینه پژوهش

علیرغم اینکه شهرآشوبها حجم قابل توجهی از آثار ادبی فارسی، بویژه در سبک هندی، را تشکیل میدهد اما اعتنای چندانی به تحقیق در این زمینه صورت نگرفته است. شهرآشوب در شعر فارسی یگانه کتاب مستقل در این حوزه است که توسط احمد گلچین معانی تالیف شده و در بر دارنده پنجاه شهرآشوب است. در کتاب محمدجعفر محجوب با عنوان سبک خراسانی در شعر فارسی نیز فصلی مختصر در این باره وجود دارد. چند مقاله مختصر نیز درباره شهرآشوب وجود دارد که مؤلفین آنها عموماً به جنبه تاریخی شهرآشوب نظر داشته‌اند. نگاهی دیگر به

شهر آشوب در تعریف اصفهان از سید مرتضی طاهری برزکی، شهر آشوب و تاریخ اجتماعی از ابوطالب محسنی، ارزش و اهمیت شهر آشوب در تاریخ و ادبیات ایران تالیف زهرا کشاورز قاسمی و مدخل شهر آشوب در یکی دو دانشنامه همه این تحقیقات به حساب می‌آیند.

درباره شخص طغرا نیز بیشترین پژوهشها از آن سید محمد صاحبی است. نامبرده تصحیح رسائل منثور طغرا را به عنوان پایان‌نامه دکتری در دانشگاه علامه طباطبایی گذرانده و به فراخور آن، چند مقاله درباره لغات هندی این رسائل و دیگر موضوعات مرتبط با آثار منثور این شاعر نوشته است. محمد ریاض در مقاله ملا طغرامشهدی و رساله تجلیات وی در انشاء به معرفی این رساله پرداخته است. به علاوه، منتخبی از اشعار طغرا با نام ارغوان‌زار شفق توسط محمد قهرمان چاپ شده که در آن چند بیتی از شهر آشوب طغرا درج گشته است. در تذکره پیمانه نوشته گلچین معانی منتخبی از ساقینامه او آمده است که بخش شهر آشوب در آن وجود ندارد. در کاروان هند نوشته همین فرد و نیز جلد پنجم تاریخ ادبیات در ایران تالیف ذبیح‌الله صفا نیز مطالبی درباره طغرا آمده که عموماً منعکس‌کننده نظرات تذکره‌نویسان راجع به طغرا است. خلاصه کلام آنکه در هیچ یک از آثار مذکور به موضوع شهر آشوب طغرا و معرفی ویژگیهای آن به طور شایسته پرداخته نشده است. مقاله حاضر، نخستین تحقیق در این موضوع مهم است.

۲. طغرا و زندگی و آثار او

طغرای مشهدی مشهور به ملا طغرا از شاعران و نویسندگان پرکار و برجسته قرن یازدهم هجری قمری است. در تذکرها اطلاعات زیادی درباره او وجود ندارد. نام وی و نام پدرش معلوم نیست. زادگاه وی را مشهد دانسته‌اند. (تذکره نصرآبادی، نصرآبادی، ص ۲۴۵) اقامتگاه اولیه او نیز طوس بوده است (تذکره نتایج الافکار، گوپاموی: ص ۴۴۱) در عهد صفویه و با رواج مهاجرت شاعران به هند، وی نیز همراه «کاروان هند» به آن سرزمین مهاجرت کرده است. وی از شمار شاعرانی است که در عهد صفویه به هند مهاجرت کرده‌اند. در اواخر دوره جهانگیر گورکانی (حک. ۱۰۱۴-۱۰۳۷ ه.ق) به هند رفت (تذکره مجمع النفایس، علی‌خان آرزو: ص ۴۸۰) پس از چندی در رکاب شهزاده مرادبخش فرزند شاه جهان (وفات. ۱۰۷۰ ه.ق) درآمد و همراه او به سیاحت در دکن و بخشهای جنوبی هند پرداخت. (تذکره سرو آزاد، آزاد بلگرامی: ص ۱۲۴) طغرا مدتی از عمر خود را نیز در پنجاب گذرانید. او به بخشهای دیگر هند نظیر پنجاب و اگره و گجرات نیز رفته است. طغرای مشهدی برای مدتی نیز به ایران باز میگردد. در این بازگشت، ازدواجی داشته اما همسرش فوت میکند و او دوباره راه هند را در پیش میگیرد. (تذکره نصرآبادی، نصرآبادی: ص ۴۸۲) وی در سالهای فرجامین زندگی در کشمیر گوشه انزوا اختیار کرده و سرانجام در همان شهر در گذشته و در کنار قبر ابوطالب کلیم کاشانی به خاک سپرده میشود (تذکره شعرای کشمیر، راشدی: ص ۷۳۳). در مورد تاریخ درگذشت

وی اختلاف است. هرمان اته وفات وی را پیش از ۱۰۷۸ میداند. (تاریخ ادبیات فارسی، اته: ص ۲۴۲) ریو، پس از ۱۰۷۸ (تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ج ۵ ص ۴۵۰) و آقابرگ ۱۱۰۰ قمری را به عنوان تاریخ درگذشتش دانسته‌اند. (الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقابرگ تهرانی: ص ۶۳۹)

طغرا مردی مطلع از علم بوده و در خلال آثارش بارها به کتبی اشاره کرده است. در واقع وی بیشتر به عنوان نویسنده شهرت داشته تا شاعر با این حال اشعار او نیز در خور توجه و اعتنا است و بعضاً در مرتبه والایی قرار میگیرد. تخلص او در شعر، طغرا بوده اما گاهی به خاطر ضرورت وزن «شیفته» نیز تخلص نموده است (ارغوان‌زار شفق، طغرای مشهدی: ص ۲۰). او شاعری شیعه مذهب است و اشعار فراوانی در مدح ائمه اهل بیت دارد. در همین ساقینامه او از مسافرت خود به کعبه، کربلا و نجف و عرض ارادت بسیار به اهل بیت سخن میراند. (کلیات، ۸۲-۸۸)

طغرا شاعر و نویسنده‌ای بسیار پر کار است. از او نزدیک به سی رساله باقی مانده که طبق احصای گلچین معانی، بیست و یک رساله در هند به اهتمام خواجه محمد مرتضی در کانپور چاپ شده است. (تذکره پیمان، گلچین معانی: ص ۲۷۸) از خصوصیات سبکی طغرا، چه در شعر و چه در نثر، باید از مواردی چون کثرت واژگان هندی، لغات کهن خراسانی و اصطلاحات موسیقایی و نسخه‌پردازی نام برد.

این شاعر مقام ادبی ممتازی در شبه قاره داشته است. خان آرزو درباره مقام والای ادبی وی مینویسد: «آوازه نثر و نظم او هر طرف افتاده کلیاتش در هندوستان کمال شهرت دارد و علی‌الخصوص منشآت او. قصاید غزاً دارد... نثر او نهایت رنگین است... او معنی‌یاب مقرر است ازین جهت دربند الفاظ معانی تازه است.» (تذکره مجمع النفایس، علی‌خان آرزو: ص ۴۵۱) رسائل منثور او تا مدت‌ها جزو کتب درسی فارسی‌گویان هند بوده و در بین آنها مثال اعلائی نویسندگی تلقی میشده است. (کاروان هند، گلچین معانی: ص ۸۱۳/۱) همچنین با مراجعه به فرهنگ لغتهایی که در شبه قاره تالیف شده است (نظیر آندراج و جهانگیری)، مشاهده میشود که حجم بالایی از شواهد شعری مدخلها به طغرا اختصاص دارد؛ در حالی که چهره‌های بزرگی در این سرزمین نشو و نما یافته‌اند و این موضوع بیانگر درجه ممتاز و شهرت طغرا در میان اهل ادب هندوستان است.

۲.۱ معرفی نسخه

از آثار طغرا چندین نسخه موجود است اما کاملترین و بهترین آنها که محققان پیشین نیز بدانها رجوع کرده‌اند، دو نسخه (۱) رسائل طغرا با شماره ۳۲۱۵، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و (۲) کلیات طغرای مشهدی، موجود در کتابخانه ایندیا آفیس انگلستان به

شماره ۱۵۸۶، است. هر دو نسخه متعلق به قرن دوازدهم هجری قمری است. این نسخه حاوی اشعار و بیست و چهار رساله از طغرا است. نسخه مجدول و مشتمل بر ۴۱۵ برگ است. هر صفحه شامل صد بیت است. در ظهر آن نقش مهری آمده که تاریخ ۱۱۱۲ را نشان میدهد و تعلق آن به قرن دوازده از اینجا معلوم شده است. محمد قهرمان که گزیده‌ای از اشعار طغرا را با عنوان «ارغوان‌زار شفق» به چاپ رسانده، از این نسخه بهره برده است. وی این نسخه را «معتبر و شاهانه» میدانند. (ارغوان‌زار شفق، طغرای مشهدی: ص ۲۱)

ساقینامه اولین بخش این نسخه است و اوراق ۱ تا ۹۵ را شامل میشود. در اوراق بعدی (۹۶-۳۱۲) نیز، قصاید، قطعات، فردیات، مثنویات، ترجیع بند و ترکیب بند و مخمس، غزلیات و رباعیات شاعر ثبت شده است. قسمت بعدی نسخه (۳۱۳-۴۱۴) حاوی رسائل منثور طغرا میباشد. در صفحه ترقیمه نیز اشاره به این موضوع میشود که شاعر، سرودن ساقینامه را به درخواست فردی به نام محمد عاصم چپو در سال ۱۱۱۵ به اتمام رسانده است. (کلیات طغرای مشهدی: ص ۹۵) ساقینامه طغرا در حدود ده هزار بیت است. گلچین معانی این رقم را درست تخمین زده (تذکره پیمان، گلچین معانی: صص ۲۷۹-۲۸۰) اما محمد قهرمان در ارغوان‌زار شفق، تعداد ابیات را حدود نه هزار دانسته که نادرست است. اولی بیت ساقینامه با یاد خداوند و با بیت:

زهی لطف سازنده آب و خاک به رقص آور سبز طاووس تاک
(کلیات طغرای مشهدی، ص ۱)

آغاز میشود. این منظومه در با مدح شاه عباس دوم خاتمه میپذیرد و بیت پایانی آن چنین است:

به صوت دعا دمکشی ساز کن به آهنگ آمین لبی باز کن
(کلیات طغرای مشهد: ص ۹۵)

۳. شهر آشوب

شهر آشوب در لغت به معنی زیبارویی است که با زیبایی خود شهر را به آشوب میکشاند (آندراج) اما در اصطلاح، یکی از انواع شعر (یا نثر) است که عموماً در قالبهای غزل، قصیده، رباعی و مثنوی سروده میشود. موضوع شهر آشوبها به دو دسته کلی تقسیم میشود: (۱) یا در هجو مردم یک شهر و یا برشمردن زشتیها و فسادهای درباریان است و (۲) یا به توصیف مختصر اقشار و اصناف مختلف هر شهر پرداخته میشود (شهر آشوب در شعر فارسی، گلچین معانی: ص ۸۸ و سبک خراسانی در شعر فارسی، محجوب: ص ۶۷۷). در توضیح این دو باید گفت که در قسم نخست، نیت شاعر واقعاً نکوهش و هجو شهر یا مردم شهر است اما در قسم دوم نوعی تفنن و آزمون شاعری، انگیزه شاعر به حساب می‌آید. شاعر در قالب اشعاری (که

معمولاً در قالب رباعی است)، اوصاف معشوق خویش را در قالب ارباب مشاغل وارد ساخته و با زبان غنائی به وصف این افراد پرداخته‌اند در حالی که مثلاً شوخ، زیبا و خوبروی که عمدتاً به این افراد نسبت داده میشود، خلاف واقع است چون اولاً همه افراد پیشه‌ور خوبرو و شوخ نیستند و ثانیاً عمدتاً در محیط‌های کاری قدیم (و همینطور امروزه) وضع نظافت چندان رعایت نمیشد و افراد با لباسها و چهره‌هایی نامرتب و بشولیده به کار میپرداختند. «این نوع شهرآشوبها جنبه آموزشی نیز داشته است و کودکان با خواندن آنها حرفه ای را می آموختند» (تأملی در مجمع الاصناف، نصرتی سیاهمزیگی: ۳۹۶).

قدیمترین شهرآشوب فارسی شناخته‌شده متعلق به مسعود سعد سلمان (وفات. ۵۱۵ ق) است. او ابتدا در طی نود و یک قطعه مختلف الوزن و با زبانی غنائی، به معرفی مشاغل و اصناف پرداخته (دیوان مسعود سعد سلمان، شهرآشوب، صص ۹۱۶-۹۳۶) و در جایی دیگر و طی یک مثنوی با عنوان «وصف، مدح و نکوهش درباریان شیرزاد پسر سلطان مسعود غزنوی، عمله خلوت و اهل طرب دربار وی» به مدح و ذم برخی اشخاص پرداخته است (همو، ۳۲۸). شعر دوم را بنا به دلایلی (که مفصلاً در قسمتهای بعدی مقاله خواهد آمد) نمیتوان شهرآشوب تلقی کرد چون ساختار و محتوای آن اندکی متفاوت از الگوی شهرآشوب است. اکثر محققان نیز همان قطعات ۹۱ گانه را به عنوان نخستین شهرآشوب پذیرفته‌اند. با این حال جای شگفتی دارد که محققان بسیاری از جمله شفیعی کدکنی معتقدند که شهرآشوبها در ابتدا در قالب هجویات درباره شهر و ساکنان آن بوده و در ادوار بعدی شهرآشوبهای صنفی نیز سروده شده‌است. (مفلس کیمیا فروش، شفیعی کدکنی: ۳۲) حال آنکه قدیمترین نمونه این قسم شعر خلاف نظر ایشان را ثابت مینماید.

۴. معرفی شهرآشوب طغرا

در اوراق پایانی ساقینامه طغرای مشهدی، شهرآشوبی وجود دارد که موضوع اصلی این تحقیق است. شهرآشوب مذکور در دو قسمت است و بی هیچ فاصله‌ای از یکدیگر قرار دارند. فضای قسمت نخست، مدحی و بخش دوم، هجو آمیز و انتقادی است. عنوان بخش اول، «به دستیاری قلم واسطی سر نافه دوات چنگی گشادن و حریرپوشان کاغذ خطایی به مشک ختنی مداد زینت دادن» است. این نوع نامگذاریه‌های طولانی و بعضاً متکلفانه - که در برخی موارد اصلاً هیچ ربطی با موضوع ذیلش وجود ندارد- در ساقینامه‌ها رایج بوده است. اولین ابیات آن:

ز راه دغا هندوی بخت من به طوس آمد از هند چون اهرمن
به این قصه گردید طوطی زبان که ای بلبل انجمن‌آشیان

مرا کرده دوران زمیندار هند
نسیم گل و لاله آن دیار
اگر شهر سبزی بود در جهان
بهشتی است آن سرزمین طرب
ز من تازه گردید گلزار هند
خزان را کند پیش دست بهار
نباشد به جز ملک هندوستان
که داده جهانگیر هندش لقب..
(کلیات طغرای مشهدی، ص ۹۱)

از این پس، شاعر به وصف هندوستان و هوا و طبیعت بهشت‌آسای آن میپردازد. به عنوان نمونه:

اگر زور تاکش درآید به آب
به بالای سروش چو افتد نگاه
فلک چون به باغ جهان وارسید
کند عرعر آن چمن گر ندا
نگردد چو شمشاد او سبزه‌پوش
ز برگش در این گفتگو محضر است
در آن کشور از خوبی مرز و بوم
شب و روز آن گلشن انبساط
شرابی که سوزد دل از تاب او
در آن چارباغ از هوای شراب
می‌کور طعم شکر میدهد
اگر پشه را گل کند در خیال
کند نرگس از جام او گر سراغ
توان باده خوردن به جام حباب
نگردد به پایین شدن سر به راه
زبردستتر از چنارش ندید
به لیبک طوبی شود تر صدا
اگر خضر گیرد چمن را به دوش
که سدره نهال درخت بر است
رطب میتوان چید از نخل موم
دوتاری است در چنگ اهل نشاط
نباشد به کیفیت آب او
سه برکه شده نقطه‌های شراب
به او طوطی شیشه سر میدهد
گشاید به صیادی کبک بال
زبانش شود چون دل لاله داغ
(کلیات طغرای مشهدی، صص ۹۱-۹۲)

و سپس به وصف معشوق هندی گریز میزند و از او تمجید مینماید. در آخر نیز، طبق رسم معهود ساقینامه‌ها، به ساقی خطاب میکند که میی برایش مهیا کرده تا ایام را به خوشی بگذرانند.

عنوان بخش دوم نیز «ساز سفر» است. و با این ابیات آغاز میگردد:

به تکلیف آن هندوی چاپلوس
چو فارغ ز طی منازل شدم
گریدم سفر از گلستان طوس
به غمخانه هند داخل شدم

دلم گشت عازم که تا پای تخت
 چه زنگی شب در دم صبح عید
 سراسیمه گشتم در این پهن دشت
 ز بنگاله تا احمدآباد و سند
 ولی برنخوردم به یک مرد راست
 کنم راه سر بر سیاهی بخت
 سیه هندوی بخت شد ناپدید
 چه گویم چها بر سر من گذشت
 شدم کوجه پیمای هر شهر هند
 ز کج‌طینتان گر بنالم رواست

بعد از این، شاعر به وصف بازاریان دغلکار هندی میپردازد:

خصوصاً ز بازاریان دغل
 ز بقال هرکس متاعی خرید
 نگوویی به قصاب که این گوشت چند
 چه علاف گیرد ز من نقد هوش
 ز طباخ او گرم تلواسه‌ام
 چو خواهم ز خباز نان سرور
 ز سبزی‌فروشم یقین شد فنا
 پنیر از ترش‌روی ماست‌بند
 مفرح‌گرم چون کند ساز کیف
 تریه‌های قنادی سومنات
 طلاکوب با من چو زد بر جلا
 دلم بس که بیزار بازار شد
 که بی جنس گیرند نقد از بغل
 بجز کشمکش چون ترازو ندید
 که خواهد به افسون تو را پوست کند
 به گندم‌نمایی شود جوف‌روش
 که ترسم کند خاک در کاسه‌ام
 به طوفان غم گرم سازد تنور
 که تیغ برهنه است چون گندنا
 شود سرکه شیرین بود گر چو قند
 خورد بر دماغم لب جام حیف
 مرا خشک دارد چو شاخ نبات..
 به خایسک میکوبدم چون طلا..
 به هر کوچه همخانه بیزار شد
 (کلیات طغرای مشهدی، صص ۹۲-۹۳)

در این قسمت طغرا از ۵۲ شغل نام میبرد که ۵۱ پیشه مربوط به بازار و آخری، از آن معلم دینی یعنی ملا است. بقال، قصاب، علاف، طباخ، خباز، سبزی‌فروش، ماست‌بند، تنبولی، بزاز، قناد، عطار، مفرحگر، نداف، رنگرز، اُتوکش، خیاط، گازر، کفشگر، دباغ، زرگر، آینه‌ساز، شمشیرگر، تیرگر، کمانگر، سپرساز، رمح‌گر، چلقدفروش، زره‌گر، خودگر، مسگر، قلعیگر، آهنگر، طلاکوب، جوهری، نگین‌کن، مجلّد، کاغذگر، صراف، بریشم فروش، سیاهی فروش، عصار، نجار، زرکش، سراج، جُلّی فروش، کوّاز، صیقلگر، ارّه‌گر، سپرساز و ملا.

هر یک از مشاغل معمولاً در یک بیت توضیح داده میشود و فضای ابیات، هجوآمیز است. شاعر، در انتها، از فقر و تنگدستی خود و آب و هوای هند اظهار شکایت مینماید. در آخر،

طغرا باز هم به ساقی متوسل شده و از او می‌خواهد با آوردن جامی او را از این همه رنج و غم رهایی بخشد.

تعداد ابیات قسمت مدحی، ۹۳ و شمار قسمت هجوی، ۱۰۵ بیت است. در تحقیقات پیشینیان، گلچین معانی در تحریر دوم مکتب وقوع، به این ابیات اشاره کرده‌اند اما شگفت آنکه آن را از جمله شهر آشوبها ندانسته و اذعان داشته است که این اشعار را «نه به عنوان شهر آشوب بلکه از این نظر که معلوم شود اصناف بازار در گذشته تا چه حد اسیر ظلم، جور و محکوم تعدیات مأموران حکومتی بوده‌اند و چگونه هر چه بر آنها تحمیل میشده، تحمل میکرده‌اند» درج میکند (مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین معانی: ص ۲۰۳). محمد قهرمان نیز فقط با این عبارت که «شاعر شهر آشوب خوبی دارد در هفتاد بیت» (ارغوانزار شفق، طغرای مشهدی: ص ۲۰) اکتفا نموده و البته هفتاد بیت از آن را در منتخب اشعار طغرا آورده است. آرای دو محقق مزبور محل اشکال است. اولاً اینکه اصلاً این ابیات درباره ظلم تعدی مأموران حکومتی و فشار مالیاتی دولت بر بازاریان نیست، بلکه بالعکس به ظلم و تعدی و غش اهل بازار در حق مردم - و از جمله در حق طغرا - اشاره میشود. در هیچ بیتی از این شهر آشوب، نشانه‌ای برای اثبات حرف گلچین معانی نیست. به دلیل همین برداشت اشتباه و عدم توجه کافی به موضوع شهر آشوب است که گلچین معانی به راه خطا افتاده و این ابیات را از زمره شهر آشوبها خارج ساخته است.

درباره نظر قهرمان نیز باید افزود - چنانکه در سطور فوق بدان اشاره شد - تعداد ابیات هجوآمیز شهر آشوب، صد و پنج بیت است و نه هفتاد بیت. ضمناً هر دو پژوهشگر هیچگونه توجهی به قسمت مدحی شهر آشوب نداشته‌اند حال آنکه این بخش نیز کاملاً با الگوی شهر آشوبها همخوانی دارد.

۵. ویژگیهای شهر آشوب ملاطغرا

در این قسمت به سه خصوصیت مهم شهر آشوب طغرا پرداخته میشود که عبارتند از:

۵.۱. شهر آشوب در دل ساقینامه

ساقینامه‌سرایی یکی از سنتهای ادبی رایج در ادب فارسی است. ساقینامه نوعی مثنوی به بحر متقارب است که در آن شاعر خطاب به ساقی کند و مطالبی مبنی بر یاد مرگ و بی‌ثباتی جهان، شکوه از زمانه را بر زبان آورد و نهایتاً از ساقی یا مغنی بخواهد تا با دادن می و نوازندگی آلام او را تسکین ببخشد. (معین، ذیل «ساقینامه») محجوب، نخستین اشعار ساقینامه‌ای را متعلق به فخرالدین اسعد گرگانی، شاعر مشهور قرن پنجم، میداند. بعد از وی نیز ساقینامه به شکل غیر مستقل و در خلال منظومه‌های غنائی آمده است نظیر آنچه که نظامی در هفت پیکر آورده است. نخستین ساقینامه مستقل متعلق به حافظ شیرازی است.

(ساقینامه - مغنی‌نامه، محجوب: ص ۷۰-۷۱)

بعد از حافظ نیز تعداد زیادی ساقینامه سروده شده است و اوج این جریان نیز دوره معروف به سبک هندی است. ملا عبدالنبی فخر الزمانی از ادیبان مشهور قرن یازدهم مجموعه‌ای از ساقینامه‌ها با عنوان تذکره پیمانان را گردآوری نمود. احمد گلچین معانی نیز در ایام معاصر تکمله و تتمه‌ای بر این کتاب با عنوان تذکره پیمانان فراهم کرد که ساقینامه طغرا در این مجموعه وجود دارد.

در ساقینامه‌ها معمولاً مضامین مشخصی وجود دارد که عبارتند از: مدح ائمه شیعه و ارباب قدرت، بی‌اعتباری دنیای فانی و مقام و منصب آن، ستمگری و بی‌وفایی روزگار غدار، شکایت از ابنای زمانه، دعوت به اغتنام فرصت، وصف می، ساقی و مغتی و پناه بردن به عالم مستی برای رهایی از رنج جانکاه زندگی (ساقینامه در شعر فارسی، رضایی: ص ۱۴). در کنار موضوعات عام، برخی شاعران نیز موضوعات ویژه‌ای را وارد ساقینامه‌ها ساختند. چنانکه مثلاً میر سنجر کاشی درباره حب وطن و نصیحت در ساقینامه خود ابیاتی دارد و (تذکره پیمانان، گلچین معانی: صص ۳۳۶-۳۵۰) و نظیری نیشابوری از طلب شخصی خود میگوید (همان: ص ۲۳۸).

ساقینامه ملا طغرا از حیث کیفیت ادبی در جایگاه بسیار ممتازی قرار دارد. در تذکره پیمانان آمده که سه تن از مشهورترین تذکره نویسان در باب بهترین ساقینامه اظهار عقیده کرده و هر کدام، از شاعری مشخص نام برده‌اند. ملا عبد النبی فخرالزمانی صاحب تذکره میخانه، خوشگو نویسنده سفینه خوشگو و سرخوش، به ترتیب پرتوی، نوعی خوبشانی و ظهوری ترشیزی را بهترین ساقینامه‌سرا میدانند (تذکره میخانه، فخرالزمانی: ص ۹) اما با مراجعه به ساقینامه‌های فوق الذکر که همگی در تذکره میخانه وجود دارند و مقایسه آنها با ساقینامه ملاطغرا میتوان ادعا نمود که کیفیت ادبی ساقینامه ملاطغرا، حداقل، از این سه شاعر نامور بالاتر است.

علاوه بر ادبیت، گستردگی و تنوع موضوعی ساقینامه طغرا به مراتب بیش از سه اثر مذکور است. انبوه اطلاعات موسیقائی، لغات هندی، لغات غریب و کهن خراسانی، وصف و معرفی شهرهای مختلف هندوستان، وصف اصطلاحات نسخه‌پردازی، تربت عرفا و اماکن مقدس مسلمانان، آسیب‌شناسی اجتماع و.. سبب میشود که این اثر به عنوان یک سند ارزشمند تاریخی نیز تلقی گردد.

۱- این موضوع از مقوله جامعه‌شناسی ذوق ادبی است که بسته به دو عامل مکان و زمان، معیار ادبیت آثار فرق میکند و مردم آن دوره یا آن مکان شاعری خاص را به عنوان نمونه اکمل شعرا قلمداد میکنند، حال آنکه این شاعر در ادوار بعد یا در مکانهایی دیگر آن جایگاه ممتاز را ندارند. علی‌خان آرزو اعتقاد دارد که: «به اعتقاد فقیر، آرزو، مثل او از آدم الشعرا که رودکی است تا این وقت به هم نرسیده چه در نظم و چه در نثر» (تذکره مجمع النفایس، علی‌خان آرزو: ص ۶۵). چنین است نظر مردم تاجیکستان دربارهٔ بیدل و مقام برابر او با حافظ؛ امری که به هیچ وجه نزد ایرانیان مورد قبول نیست (شاعر آینه‌ها، شفیع کدکنی: صص ۱۰۰-۱۱۲)

یکی از وجوه تمایز ساقینامه طغرای مشهدی نسبت به آثار مشابه، ذکر شهر آشوبی است که او در ضمن این ساقینامه آورده است. با مراجعه به آثاری چون تذکره میخانه و پیمانان و دواوین شعرایی که صاحب ساقینامه هستند، این نتیجه حاصل شد که طغرا تنها شاعری است که در ساقینامه خویش، شهر آشوبی آورده و از این نظر کار او نوآورانه است. مدح و قدح یک سرزمین و مردم آن مطلبی است که منحصراً طغرا در ساقینامه آورده است. در اینجا ذکر نکته‌ای ضرورت دارد. پیشتر گفته شد که یکی از موضوعات رایج در ساقینامه‌ها، شکایت از ابنای روزگار است. مثلاً امیر خسرو مردم دوره خویش را چنین مذمت میکند:

همه گرگ طبعان ضرغام کین	همه زیر دستان بالانشین
همه کس ولیکن کس ناکسی	در اکرام، واپس‌تر از واپسی
همه در مروت همین محض گفت	بکوی ترقع شهیدان مفت
همه خائن سکه همدمی	گه محرمی ننگ نامحرمی

(تذکره میخانه، عبدالزمانی: ص ۴۵)

ملاحظه میشود که شاعر از لفظ «همه» استفاده میکند و به فرد و شهر خاصی اشاره نمینماید. در ساقینامه ملاطغرا نیز چنین مطلبی وجود دارد.

ز حق راضیم گر به ابنای دهر	نیندازدم کار در هیچ شهر
کسی را چو افتد به این قوم کار	ز سستی شود مردشان زن شعار
همه از ازل آشنای نفاق	ابدجوی بیگانگی از وفاق
همه تیره دل همچو دود چراغ	سیره‌رو از ایشان چه خانه چه باغ
به چشم خود از دل خبائت فروش	نگه را متاع خبائت به دوش
ز هم بهتر اما به بدخلتی	ز هم بیش اما به کم فرصتی
ز بانیشان که با رنده هم‌پیشه است	تراشیدن عیب را تیشه است
اگر غائب از خود توانند بود	ز خود نیز خواهند غیبت نمود
چو مار از کجی کار خود کرده راست	بجز نیش کاری از ایشان نخاست

(کلیات طغرای مشهدی، ص ۴۵)

مشاهده میشود که طغرا نیز در وصف اهل زمانه «همه» آنها را مورد خطاب قرار میدهد و همین موضوع را، حداقل در سبک هندی، میتوان از وجوه بارز تمایز بین شهر آشوب و هجو و شکایت دانست. طغرا در شهر آشوبش به طور مشخص از هند و مردم هند نام میبرد.

مرا کرده دوران زمیندار هند	ز من تازه گردید گلزار هند
نسیم گل و لاله آن دیار	خزان را کند پیش دست بهار

اگر شهر سبزی بود در جهان
 بهشتی است آن سرزمین طرب
 چو پیدا شود سبزه برشکال
 بود دست شوق زمرت‌تراش
 توان یافت از رنگ فولاد هند
 یا:

به تکلیف آن هندوی چاپلوس
 چو فارغ ز طی منازل شدم
 دلم گشت عازم که تا پای تخت
 چو زنگی شب در دم صبح عید
 سراسیمه گشتم در این پهن دشت
 ز بنگاله تا احمدآباد و سند

گزیدم سفر از گلستان طوس
 به غمخانه هند داخل شدم
 کنم راه سر بر سیاهی بخت
 سیه هندوی بخت شد ناپدید
 چه گویم چها بر سر من گذشت
 شدم کوچه‌پیمای هر شهر هند..
 (کلیات طغرای مشهدی، ص ۹۳)

مؤلفین مقاله با مطالعه تمامی متون چاپ شده درباره ساقینامه‌ها، هیچ موردی از این نوع را مشاهده نکردند. یعنی در هیچ اثری ساقینامه و شهرآشوب با همدیگر مشاهده نشد. اصولاً این دو حوزه با هم متفاوت هستند و از لحاظ موضوعی مشابه نیستند تنها در مسأله هجو است که این دو به هم نزدیک میشوند اما باز هم مرز آنها مشخص است زیرا در شهرآشوب هجو شهر و مردم خاصی مد نظر است و هجو و نکوهش مورد نظر در ساقینامه، کلی است و شاعر آن تمام زمانه و مردم دوره حیات خویش را نکوهش میکند. با این حال ساقینامه ملاطرا تنها شعری است که در آن ساقینامه و شهرآشوب تلاقی داشته اند.

۴،۲. هم مدح و هم ذم

در تمامی شهرآشوبهای فارسی، تا آنجا که مطالعه شد، دو حالت کلی وجود دارد؛ شاعر یا به مدح و تمجید از شهری میپردازد یا اینکه از آن شهر و ساکنانش مذمت مینماید. در این شهرآشوبها هیچگاه چنین پیش نیامده که شاعر در یک اثر واحد هم مدح و هم هجو و مذمت نماید. درباره پیشینه این بحث از مقاله ذکر یک شاعر بزرگ یعنی مسعود سعد ضرورت دارد. در دیوان مسعود سعد دو شعر وجود دارد که با این بحث ارتباط دارد. او ابتدا در طی ۹۱ قطعه با وزنهای مختلف و با زبانی غنائی، به معرفی مشاغل و اصناف پرداخته (دیوان مسعود سعد سلمان، شهرآشوب: صص ۹۱۶-۹۳۶) و در جایی دیگر و طی یک مثنوی با عنوان

«وصف، مدح و نکوهش درباریان شیرزاد پسر سلطان مسعود غزنوی، عمله خلوت و اهل طرب دربار وی» به مدح و ذم برخی اشخاص پرداخته است. (همان: ص ۵۶۰) نخستین همانی ۹۱ قطعه‌ای است که از آن به عنوان قدیمترین شهر آشوب یاد می‌گردد. این قطعات مختلف الوزن جزو شهر آشوبهای صنفی هستند و در این نوع، اصولاً مدح و ذمی مشاهده نمی‌شود بلکه بیشتر احساسات شخصی در دو محتوای تمجید یا گله وجود دارد. شعر دوم که از قضا در پژوهشهای محققین بدان اشاره نشده، همان ابیات مسعود سعد است که البته قیاس آن با ابیات طغرا، قیاسی مع الفارق خواهد بود.

درباره شعر دوم یک نکته قابل تامل وجود دارد. اولاً اینکه نیت شاعر مهم است. در اشعار مسعود، نیت مطایبه و شوخی با اهل دربار است اما در شهر آشوب نیت شاعر نکوهش شهر و گروهی است و زبان او کاملاً جدی است. دوم اینکه شعر مسعود قطعه است و نه مثنوی. به همین جهت است که محبوب ازین شعر در ردیف مثنویهای هجوآمیز و در موضوع «خوانیات» یاد میکند. (سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب: ص ۶۰۷)

ساقینامه طغرای مشهدی از حیث آمیختگی مدح و ذم نیز لحاظ منحصر بفرد است. شاعر در این اثر هم به مدح هند و فضای آن و هم به مذمت آن اقدام کرده است. ظاهراً قسمت نخست را پس از مراجعت به طوس سروده است. شاعر گویا چندان رضایتی از بازگشت خود نداشته که میگوید:

ز راه دغا هندوی بخت من به طوس آمد از هند چو اهرمن
(کلیات طغرای مشهدی، ص ۹۳)

و در ادامه به یاد ایام خوشی که در هند داشته است، به تمجید آن سرزمین می‌پردازد. قسمت دوم شهر آشوب هم گویا به سفر مجدد شاعر به هندوستان مربوط است اما گویا این مسافرت مطابق میل طغرا واقع نگشته است. جالب اینکه اکنون هند برای او «غمخانه» و طوس گلستان محسوب میشد:

به تکیف آن هندوی چاپلوس گزیدم سفر از گلستان طوس
چو فارغ ز طی منازل شدم به غمخانه هند داخل شدم
(همان: همانجا)

این هندوی چاپلوس هم مشخص نیست که چه کسی است زیرا در آثار طغرا و نیز تذکره‌ها مطلبی درباره این فرد وجود ندارد.

جالب آنکه در شهر آشوب طغرا این دو قسمت بلافاصله از یکدیگر آمده است و این مسأله، یکی دیگر از نکات تامل‌برانگیز و منحصر به فرد شهر آشوب وی است که ابتدا به مدح سرزمینی پرداخته شده و سپس، بی هیچ توفقی، شاعر به قذح همان سرزمین و مردمانش

مبادرت کرده است؛ امری که در ظاهر منطقی نمی‌نماید. علت این غرابت دقیقاً مشخص نیست. در بادی امر دو فرضیه به نظر می‌رسد. یکی آنکه شاعر در هنگام سرودن چندان دلخوشی از وضعیت خویش در هند نداشته و در عین حال به یاد روزهای شیرین اقامت در طوس و در کنار همسر در گذشته خود افتاده است. در فرضیه دوم باید احتمال داد که شاعر این ساقینامه را تدریجاً و در یک بازه زمانی طولانی از عمر خویش سروده و بعداً این قطعات را در کنار هم نهاده است. بنا به قرائن، فرضیه نخست درست می‌نماید. اولاً کثرت لغات و اصطلاحات هندی و توصیف شهرهای آن سرزمین موید آن است که ساقینامه به تمامی در هند سروده شده است. این نکته را دیگران هم پذیرفته‌اند (ارغوانزار شفق، طغرای مشهدی: ص ۲۱) و خود شاعر نیز اشارتی در تأیید این موضوع دارد:

بیا ساقی ای سبز هندوستان که بهرت گل آوردم از بوستان
(کلیات طغرای مشهدی، ص ۴۰)

دلا رو به کابل برآ از اتک^۱ چنین بدرگی را عوض کن به سگ
(همان: ص ۷۰)

به هند جگرخارم افتاد کار دلم چون نگردد ز دستش فگار
(همان: ص ۹۳)

ثانیاً راضی نبودن طغرا در سفر دوم به هند، در دیگر اشعار شاعر نیز به چشم می‌خورد.
چنانکه در غزلی با مطلع

روی کشمیری مبین بنگر به شهر خرّمش سربسر کشمیر خوب افتاده غیر از آدمش
(همان: ص ۲۵۱)

و قصیده ای با ردیف کشمیر و با بیت آغازین:

ز قناعت نخورم غیر هوا در کشمیر بچنین رزق کنم شکر خدا در کشمیر
(کلیات طغرای مشهدی، ص ۱۴۱)

به این موضوع اشاره کرده است.

۴.۳. آمیختگی هر دو نوع شهر آشوب

در قسمت معرفی شهر آشوب گفته شد که این نوع اشعار معمولاً به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود. موضوع نوع اول، مدح یا مذمت یک سرزمین یا ساکنان شهر و کشوری است. دسته دوم نیز شامل ابیاتی است که در آن، به وصف پیشه‌وران یک شهر می‌پردازد. در این زمینه باید گفت که تقریباً تمام شهر آشوب‌سرایان شناخته شده ادبیات فارسی از یک نوع از اشعار

در شهر خویش بهره برده‌اند یعنی یا به مدح و قدح شهر و ساکنانش اقدام کرده و یا اصناف مشاغل را توصیف نموده‌اند و این نکته ای است که در اکثر قریب به اتفاق شهر آشوبها رعایت گشته است. تنها دو شهر آشوب وجود دارد که در آن آمیختگی هر دو نوع دیده میشود. نخستین آنها متعلق به وحیدی تبریزی قمی (۹۴۲) درباره تبریز و پیشه‌ورانش و دومی نیز از آن فغفور لاهیجی (وفات. ۱۰۲۹ ه.ق) در توصیف گرجستان و اصناف مشاغل آن خطه است. لسانی شیرازی (شاعر قرن دهم) مجموعه‌ای مشتمل بر ۵۴۰ رباعی درباره شهر تبریز و پیشه‌وران آن شهر و وصف عشق خود دارد که آن را مجمع الاصناف نامیده است. حیات ادبی هر سه شاعر پیش از طغرای مشهدی بوده و او از این حیث چهارمین و آخرین شاعر تاریخ ادبیات فارسی است که دو نوع اصلی شهر آشوب را در هم آمیخته و ذیل یک شعر آورده است. قسمت مدحی یا بخش نخست شهر آشوب ملاطغرا، شهر آشوبی درباره سرزمین هند و از نوع نخست است و قسمت دوم درباره مشاغل مردم آن منطقه و ارباب اصناف آنجا.

۵. نتیجه

با توجه به مطالب مندرج در مقاله نتایج زیر حاصل شد:

- ملاطغرا اولین و آخرین شاعری است که دو سنت ساقینامه و شهر آشوب‌سرایی را در یک اثر واحد گرد آورده و تلاقی داده است. قبل و بعد از او تمامی کسانی که به سرایش یک از این دو حوزه اشتغال داشتند، متعرض حوزه دیگری نشدند. غیر از ساقینامه ملاطغرا، در تاریخ ادب فارسی هیچ اثری که در آن هم مطالب ساقینامه‌ای و هم مضامین شهر آشوبی وجود داشته باشد، وجود ندارد.

- ملاطغرا اولین و آخرین شاعر شناخته‌شده ادب فارسی است که در دو بخش متوالی از شهر آشوب خود هم به مدح و هم به ذم یک منطقه خاص و مردمانش پرداخته است. دیگر شعرای فارسی زبان، در شهر آشوبهای خویش به یکی از این دو وجه پرداختند.

- ملاطغرا در شهر آشوب خود هم به وصف یک منطقه جغرافیایی پرداخته و هم از ارباب مشاغل آن ناحیه با زبان غنائی یاد کرده است. به عبارتی دیگر، او در اثر خویش، هر دو قسم ساقینامه را آورده است و از این لحاظ بعد از وحیدی قمی، فغفور لاهیجی و لسانی شیرازی، چهارمین و البته آخرین شاعر شهر آشوب سرای فارسی است که چنین شیوه‌ای را اتخاذ نموده است.

فهرست منابع

۱. تاریخ ادبیات فارسی، اته، کارل هرمان (۱۳۵۱)، با ترجمه و حواشی صادق رضازاده شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۱.

۲. ارغوانزار شفق (برگزیده دیوان طغرای مشهدی)، طغرای مشهدی (۱۳۸۴)، تصحیح محمد قهرمان، تهران، امیرکبیر، چ ۱.
۳. الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۹۸۳)، ج ۹، بیروت، دارالأضواء، چ ۱.
۴. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، ج ۵، تهران، فردوس، چ ۶.
۵. «تأملی در مجمع الاصناف»، علی نصرتی سیاهمزیگی، بهار ادب، (۱۳۹۳)، ش: ۲۵، صص ۳۹۵-۴۱۰.
۶. تذکره پیمان، گلچین معانی، احمد (۱۳۶۸)، تهران، سنایی، چ ۱.
۷. تذکره سرو آزاد، آزاد بلگرامی، غلامعلی بن نوح، (۱۳۳۱ق)، حیدرآباد، پاکستان، کتابخانه آصفیه، بی‌چا.
۸. تذکره شعرای کشمیر، راشدی، سید حسام‌الدین (۱۳۴۶)، ج ۲، کراچی، بشیر احمد نذیر، چ ۲.
۹. تذکره مجمع النفایس، علی‌خان آرزو، سراج‌الدین (۱۳۸۵)، تصحیح مهرنور محمدخان، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، چ ۲.
۱۰. تذکره میخانه، فخرالزمانی، عبدالنسی (۱۳۶۲)، تصحیح احمد گلچین معانی، تهران، اقبال، چ ۳.
۱۱. تذکره نتایج الافکار، گوپاموی، محمد قدرت‌الله (۱۳۳۶ق)، بمبئی، اردشیر بنشاهی، بی‌چا.
۱۲. تذکره نصرآبادی، نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآباد، تهران: اساطیر، چ ۱.
۱۳. دیوان مسعود سعد سلمان، مسعود سعد سلمان (۱۳۶۴)، به تصحیح و اهتمام مهدی نوریان، اصفهان: کمال، چ ۱.
۱۴. ساقینامه در شعر فارسی، رضایی، احترام (۱۳۸۸)، تهران، امیرکبیر، چ ۱.
۱۵. «ساقینامه - مغنی‌نامه»، محبوب، محمد جعفر (۱۳۳۹)، سخن، س ۱۱، ش ۱، صص ۶۹-۷۹.
۱۶. سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب، محمد جعفر (بی‌تا) تهران، فردوس، چ ۲.
۱۷. شاعر آینه‌ها، شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، تهران، آگه، چ ۶.
۱۸. شهرآشوب در شعر فارسی، گلچین معانی، احمد (۱۳۴۶)، تهران، امیرکبیر، چ ۱.
۱۹. فرهنگ آندراج، آندراج، (محمد پادشاه) (۱۳۳۶)، تصحیح محمد دبیر سیاقی، خیام، چ ۲.
۲۰. فرهنگ معین، معین، محمد (۱۳۶۸)، تهران، دانشگاه تهران، چ ۸.

۲۱. کاروان هند، گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹)، ج ۱، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۱.
۲۲. کلیات طغرای مشهدی، طغرای مشهدی (۴)، موجود در کتابخانه ایندیا آفیس انگلستان، به شماره ۱۵۸۶.
۲۳. مفلس کیمیا فروش، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴)، تهران، سخن، چ ۳.
۲۴. مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین معانی، احمد (۱۳۷۴)، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ویرایش ۲.

پینوشت:

۱- منطقه‌ای در هند